

کارامدی طرح کانیاشری پرکالپا؛ تحلیلی انتقادی از ابتکار ایالت بنگال غربی در ارتقای آموزش زنان و کاهش درصد ترک تحصیل

پرانتیک باساک*، تربیتی چودهری

گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، دانشگاه ماروادی، راجکوت، هند.

مشخصات مقاله	چکیده
مقاله پژوهشی موضوع: سیاست حوزه موضوعی: هند تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۹ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۷/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۶ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۸/۱۴	سیاست عمومی تطبیقی حوزه‌های میان‌رشته‌ای است که در آن سیاست عمومی واحد تحلیل برای مقایسه میان رژیم‌های مختلف به کار گرفته می‌شود. یکی از جنبه‌های مهم سیاست عمومی، ارزیابی سیاست عمومی است که باید با تأثیرهای سیاست سروکار داشته باشد، نه با خروجی سیاست. ارزیابی سیاست عمومی برای دولت‌ها اهمیت حیاتی دارد، زیرا موفقیت یا شکست سیاستی مشخص، مستقیماً بر تصویر و وجهه دولت تأثیر می‌گذارد و احتمال بازگشت آن به قدرت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در اغلب موارد، دولت‌ها بر برجسته‌سازی خروجی‌های سیاست تمرکز می‌کنند که شامل داده‌های آماری سطحی است. چنین داده‌هایی ممکن است بازنمایی درستی از تأثیر واقعی سیاست نباشد. این مقاله با هدف ارزیابی طرح «کانیاشری پرکالپا» دولت بنگال غربی در ترویج آموزش زنان و کاهش درصد ترک تحصیل تهیه شده است. اداره رشد زنان و افزایش رفاه اجتماعی دولت بنگال غربی در سال ۲۰۱۲ طرح «کانیاشری پرکالپا» را پیشنهاد کرد؛ طرحی با عنوان انتقال نقدی مشروط که هدف آن ارتقای جایگاه و رفاه دختران در لیللت بنگال غربی از طریق تشویق به تحصیل تمامی دختران نوجوان و به تعویق انداختن ازدواج آنان تا رسیدن به سن قانونی ازدواج (۱۸ سال) است. با استفاده از برداشت توماس آر. دای از مفهوم ارزیابی سیاست عمومی، در این مقاله تلاش شده است هر شاخص طرح «کانیاشری پرکالپا» مطالعه شود تا تأثیر واقعی این سیاست در حل مسئله‌ای که مدعی پرداختن به آن است روشن شود و در نتیجه، راه‌هایی برای بهبود این سیاست با هدف پرداختن مؤثرتر به مسائل فوری مرتبط با آموزش دختران در هند پیش‌رو قرار گیرد. در این مقاله همچنین سازگاری این سیاست با برخی اهداف توسعه پایدار (SDGs) بررسی شده است.

ارجاع به این مقاله: باساک پ، چودهری ت. (۱۴۰۵). «کارامدی طرح کانیاشری پرکالپا؛ تحلیلی انتقادی از ابتکار ایالت بنگال غربی در ارتقای آموزش زنان و کاهش درصد ترک تحصیل». مطالعات کشورها. ۴(۴): ۶۸۱-۷۰۵. doi: <https://doi.org/10.22059/jcountst.2025.402733.1364>



وبگاه: <https://jcountst.ut.ac.ir> | رایانامه: jcountst@ut.ac.ir
شاپای الکترونیکی: ۹۱۹۳-۲۹۸۰ | ناشر: دانشگاه تهران

* نویسنده مسئول: prantik96@gmail.com - <https://orcid.org/0000-0002-8141-4681>

3290

۱. مقدمه؛ چرا «کانیاشری پرکالپا»

کودک‌همسری یکی از آسیب‌های اجتماعی است که در سراسر تاریخ، جامعه هند را گرفتار کرده است. تلاش‌های مصلحان اجتماعی همچون ویدیاساگار^۱ و راجا رام موهان روی^۲ در قرن نوزدهم میلادی این مسئله را آشکار ساخت و مداخله‌های اندکی برای مهار این آسیب اجتماعی در برابر مقاومت گسترده اجتماعی انجام شد. متأسفانه، کودک‌همسری هنوز هم در جامعه هند رواج دارد و ایالت بنگال غربی نیز از این قاعده مستثنا نیست. طرح «کانیاشری پرکالپا» ابزاری برای مداخله سیاستی از سوی دولت بنگال غربی بوده است تا به پیامدهای منفی کودک‌همسری در این ایالت خاتمه داده شود. بیشتر زنان هستند که در معرض کودک‌همسری قرار می‌گیرند؛ امری که مخل زندگی آنان است. بر اساس گزارش ملی بررسی سلامت خانواده (NFHS 4)^۳ (سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۶م)، ۲۴ درصد مردان در گروه سنی ۲۵ تا ۲۹ سال پیش از رسیدن به سن ۲۱ سالگی ازدواج کرده‌اند، در حالی که ۴۰/۷ درصد زنان در گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ سال پیش از ۱۸ سالگی ازدواج کرده‌اند.

آموزش یکی از اصلی‌ترین ابزارهای توانمندسازی زنان است و کودک‌همسری مستقیماً آموزش را هدف قرار می‌دهد، زیرا باعث ناتمام‌ماندن تحصیلات دختران می‌شود. از این رو، دولت بنگال غربی در ۱ اکتبر ۲۰۱۳م، طرح «کانیاشری پرکالپا» را معرفی و اجرا کرد که هدف آن افزایش رفاه کلی دختران بود. هدف اصلی این طرح، تسهیل گذار دختران به آموزش عالی و کاهش رواج کودک‌همسری است. دختران خانواده‌های فقیرتر کمتر احتمال دارد تحصیلات خود را ادامه دهند، حتی اگر در آغاز در مدرسه ثبت‌نام کرده باشند. ذهنیت پدرسالارانه زنان را باری بر دوش خانواده می‌داند و شوهردادن دختر در سنین پایین راهی مؤثر برای رهایی از این بار تلقی می‌شود، زیرا سرمایه‌گذاری برای آموزش و توانمندسازی دختری که در نهایت ازدواج خواهد کرد، منطقی به نظر نمی‌رسد. در طرح «کانیاشری پرکالپا» تلاش می‌شود با دادن بورس‌های تحصیلی خوب برای آموزش دختران، ریشه این مشکل هدف گرفته شود.

با توجه به پیشینه ذکرشده، در این مطالعه هدف زیر دنبال شده است: ارزیابی طرح کانیاشری پرکالپا با تمایز قائل‌شدن میان خروجی‌های سیاستی و

1. Vidyasagar

2. Raja Rammohan Roy

3. National Family Health Survey (NFHS-4)- 2014-15

تأثیرهای سیاستی آن در ارزیابی اثربخشی آن در کاهش درصد ترک تحصیل و به تأخیر انداختن ازدواج کودکان در میان دختران نوجوان بنگال غربی. لذا، سؤال کلیدی این پژوهش آن است که آیا کانیاشری پرکالپا در آموزش و توانمندسازی زنان تغییرات مثبت بلندمدتی ایجاد می‌کند یا محدود به خروجی‌های آماری است؟

این پژوهش به دو دلیل ضروری است. نخست، در مطالعات موجود و گزارش‌های دولتی داده‌های کمی درباره ثبت‌نام و پوشش بورسیه وجود دارد. این قبیل شاخص‌ها بیشتر معرف خروجی‌های سیاستی است تا تأثیرهای واقعی بر تحرک اجتماعی، توانمندسازی و به تأخیر انداختن ازدواج. بنابراین، با هدایت چارچوب توماس دای، ارزیابی کیفی برای درک واقعیت‌های اصلی که تحت پوشش معیارهای کمی قرار نمی‌گیرد ضروری است. دوم، در بیشتر ارزیابی‌های سیاستی، کانیاشری پرکالپا فقط طرحی رفاهی در نظر گرفته شده است؛ اما، در این پژوهش، آن را گفتمانی بسیار فراتر در حوزه آموزش، جنسیت و سیاست توسعه در نظر گرفته‌ایم. بنابراین، اهمیت آن به وضوح فراتر از مرزهای همجوار ایالتی است.

در نهایت، این پژوهش سه جنبه مهم دارد. به لحاظ تجربی، تلاش شده است از طریق منابع ثانویه، دیدگاه‌های تطبیقی درباره یارانه‌های نقدی مشروط و ارتباط آن با اهداف توسعه پایدار، با تحلیل انتقادی کانیاشری پرکالپا مطرح شود. به لحاظ مفهومی، ضمن ارزیابی سیاست‌های رفاهی مبتنی بر جنسیت، مرز میان تأثیرها و خروجی‌ها اصلاح شود. و در نهایت، از منظر سیاست‌گذاری، توصیه‌هایی عملی مطرح شود که فراتر از مشاهدات کلی باشد تا اهمیت عملی سیاست افزایش یابد.

۲. روش‌شناسی

در این مطالعه، از رویکرد کیفی ارزیابی سیاستی برای بررسی انتقادی طرح «کانیاشری پرکالپا» استفاده شده است. تحلیل با استناد به تمایز توماس آر. دای^۱ میان «خروجی سیاست» و «تأثیر سیاست» انجام می‌گیرد و بر ضرورت عبور از شاخص‌های سطحی مانند ارقام ثبت‌نام یا پرداخت بورس (خروجی‌ها) و تمرکز بر پیامدهای واقعی نظیر به تأخیر در آوردن ازدواج، افزایش توانمندسازی و نتایج آموزشی بلندمدت (تأثیرات) تأکید می‌شود. در این مقاله برای ارزیابی اهداف

1. Thomas R. Dye

اعلام شده، بیشتر بر منابع ثانویه تکیه شده است- از جمله گزارش های دولتی، مطالعات ارزیابی و متون علمی.

۳. پیشنهاد

در سطح جهانی، برنامه های یارانه نقدی مشروط در برقراری پیوند میان حمایت اجتماعی با پیامدهای توسعه انسانی نقش مهمی دارد. میلان و همکاران نشان دادند که یارانه نقدی مشروط بلندمدت در آمریکای لاتین به طور چشمگیری جمعیت کودکان را در مدارس حفظ کرد و سن ازدواج زودهنگام را به تعویق انداخت (Millán et al., 2019). این درحالی است که راولینگز و رویو تأکید دارند این موفقیت به دلیل اجرای مشروط و سرمایه گذاری های اجتماعی مکمل میسر می شود (Rawlings & Rubio, 2005). لادانی و سیتز دیدگاهی انتقادی دارند و هشدار می دهند که مشوق های نقدی، اگر با اصلاحات ساختاری جنسیتی همراه نشود، ممکن است به بازتولید وابستگی بینجامد (Ladhani & Sitter, 2020). ویس می افزاید ارزیابی سیاست باید اهداف اداری را با واقعیت های زندگی پیوند دهد. او بر روابط بین طراحی سیاست و تجربه عمومی تأکید می کند (Weiss, 1999). این مطالعات بنیادی در مجموع، چارچوبی مفهومی را شکل می دهد برای ارزیابی اینکه آیا طرح های دولتی، مانند کانیاشری پرکالپا در هند، خروجی ها را به تأثیرهای پایدار تبدیل می کند.

در هند، دولت ها، یکی پس از دیگری، طرح هایی را برای پرداخت یارانه نقدی مشروط با محوریت زنان با هدف مهار کودک همسری و ترویج تحصیل دختران اجرا کردند، از جمله طرح «دختر من، دارایی من»^۱ و «طرح لاکربی عزیز»^۲. موکرجی و پال این تلاش ها را در طراحی سیاست عمومی قرار دادند و بیان داشتند که کانیاشری پرکالپا در بنگال غربی، مداخله ای روشمند است با ترکیب اهداف توانمندسازی مالی، آموزشی و اجتماعی (Mukherjee & Pal, 2017). کومار این استدلال را با پیوند دادن دسترسی آموزشی با نگرش های اجتماعی بسط داد و اعلام داشت که هنجارهای مردسالارانه اغلب به کاهش اثربخشی سیاست می انجامد (Kumar, 2024). چاتوپادیای نیز استدلال می کند که مدیریت جنسیت محور در بنگال غربی، مشروعیت سیاست را از طریق هم دلی اداری تقویت می کند که عامل تعیین کننده کلیدی اعتبار برنامه است (Chattopadhyay, 2023).

1. Apni Beti Apna Dhan (ABAD)

2. Ladli Lakshmi Yojana

پژوهش‌های میدانی دربارهٔ کنیاش‌ری پرکالپا همواره معرف نتایج مثبت آموزشی و اجتماعی آن بوده است. هالدر (Halder, 2018)، و سن و توتا (Sen & Dutta, 2018) به اثربخشی آن در کاهش ترک تحصیل و به تأخیر انداختن ازدواج تأکید می‌کنند. سن و دوتا بر مشارکت بیشتر ذی‌نفعان در تحول عمیق‌تر تأکید دارند. داس و سارخل تأکید می‌کنند که دستاوردهای تحصیلی طرح کنیاش‌ری پرکالپا همواره نتایج آموزشی خوبی نداشته است؛ یعنی، تنش بین رشد کمی و کیفی مطرح است (Das & Sarkhel, 2023). دی و قوسال (Dey & Ghosal, 2021)، و گوش، تکچاندانی و تریپاتی (Ghosh et al., 2024) با تجزیه و تحلیل‌های تطبیقی منطقه‌ای، این یافته‌ها را تأیید کردند و تأثیرهای ناهمگنی را در مناطق شهری و روستایی خاطرنشان کردند. هالدار کنیاش‌ری پرکالپا را ابزاری برای اصلاح هنجارهای اجتماعی تفسیر کرد و تغییر نگرش ملموس در تصمیم‌گیری والدین را ابراز داشت (Haldar, 2024)؛ درحالی‌که ماهاتا این طرح را «حفاظت اجتماعی» از دختران نوجوان مفهوم‌سازی کرد که باعث می‌شود عزت‌نفس و درآمد اقتصادی دختران افزایش یابد (Mahata, 2024).

در مطالعات تکمیلی بر نقاط قوت و ضعف ساختاری تأکید شده است. پاروی و سارکار، با استفاده از تحلیل SWOT، شفافیت و دسترسی به جامعه را نقاط قوت اصلی شناسایی کردند، اما دربارهٔ تنگناهای اداری هشدار دادند (Paroi & Sarkar, 2020). موکرگی و موکرگی «شکاف مطلوبیت» آن را ارزیابی و به استفاده نامتوازن از بودجه و ظرفیت‌سازی محدود در مدارس محلی اشاره کردند (Mukherjee & Mukherjee, 2020). گوش و تکچاندانی (Ghosh & Teckchandani, 2024)، و ناندی و همکاران (Nandi et al., 2024) نشان دادند چگونه کنیاش‌ری پرکالپا پیشرفت به سمت ۴-SDG^۱ (اهداف توسعه پایدار-۴: آموزش با کیفیت) و ۵-SDG (اهداف توسعه پایدار-۵: برابری جنسیتی) را تسریع می‌کند، درحالی‌که، به دلیل نابرابری‌های درآمدی و منطقه‌ای مداوم، قادر به تأمین ۱-SDG و ۱۰-SDG نیست. باتاچاریا، میترا و ماجومدر نقش آن را در برابری جنسیتی تأیید کردند، اما هشدار دادند که توانمندسازی بین‌نسلی هنوز نوظاست (Bhattacharya et al., 2025).

از منظر خرد، بانرجی و همکاران، از طریق مدل هم‌گرایی اهداف توسعه پایدار کنیاش‌ری در محافظت از سلامت و آموزش نوجوانان، بر تاب‌آوری این طرح

در مدت تحصیل تأکید کردند (Banerjee et al., 2023). روی و چاکرابورتی (Roy & Chakraborty, 2024)، و چاکرابورتی (Chakraborty, 2024) بحث را به توسعه انسانی منطقه‌ای و نابرابری آموزشی گسترش و نشان دادند که چگونه تفاوت‌های اجتماعی-اقتصادی بر پذیرش برنامه اثر دارد. اختر و همکاران با بررسی میدانی نشان دادند که ذی‌نفعان از کانیاشری انگیزه و رغبت تحصیل بیشتری دارند (Akhter et al., 2021). سن و تاماراپانی کانیاشری پرکالپا را الگویی از سیاست کلی فمینیستی معرفی و تأکید کردند که نگه‌داشتن دختران در مدرسه، هم هنجارهای جنسیتی و هم قدرت چانه‌زنی خانواده‌ها را تغییر می‌دهد (Sen & Thamarapani, 2023). موکرجی کانیاشری پرکالپا را به‌صراحت در چارچوب ۴-SDG قرار می‌دهد و تأکید می‌کند که تداوم آموزش و افزایش قابلیت‌ها، به‌جای دامنه کمی آن، در سنجش تأثیر تحول‌آفرین آن اهمیت دارد (Mukherjee, 2022).

باوجود اسناد کافی، بیشتر مطالعات کمی و مختص طرح باقی مانده و بر تعداد ثبت‌نام‌ها، توزیع بودجه و موفقیت اداری تأکید شده است. در متون، ابعاد کیفی توانمندسازی-عاملیت، استقلال و خودکارآمدی- که معیارهای واقعی تحول اجتماعی معرفی شده‌اند، کم‌اهمیت جلوه داده شده است. در مطالعه حاضر با پرداختن به این شکاف مهم، از طریق چارچوب ارزیابی، که خروجی‌های سیاست را از تأثیرهای واقعی متمایز می‌کند، به بازتفسیر کانیاشری پرکالپا پرداخته‌ایم. این طرح مطالعه‌ای موردی است درباره چگونگی افزایش رفاه پاسخگو به جنسیت با استناد به داده‌های آماری در مسیر توانمندسازی پایدار.

۴. یافته‌ها

۱.۴. انتقال نقدی مشروط

دولت بنگال غربی با درنظرگرفتن درس‌هایی که از تجارب داخلی و جهانی آموخته شده است، برنامه‌ای را با عنوان یارانه نقدی مشروط (CCT)^۱ اجرا کرده است تا اطمینان حاصل شود که دختران تا رسیدن به سن ۱۸ سال به تحصیل خود ادامه می‌دهند و تعداد ازدواج‌های کودکان کاهش یابد. تجربه‌های داخلی و خارجی نشان داده است که اجرای صرف قوانین و سیاست‌های کلی برای توقف معضل کودک‌همسری ناکافی و بی‌ثمر است. برای حل این مسئله، به برنامه‌های مشخص

1. conditional cash transfer

و هدف‌مندی نیاز است. در میان تمامی ابتکارهای سیاستی با هدف مقابله با ازدواج زودهنگام و تضمین حضور دختران در مدارس، برنامه یارانه نقدی مشروط بسیار پرتعداد بوده است.

ابتکارهای مربوط به یارانه نقدی مشروط، در مقایسه با سایر برنامه‌های حمایت اجتماعی، نسبتاً جدید است. در این زمینه، کشورهای آمریکای لاتین پیش‌گام شناخته می‌شوند. مکزیک و برزیل طرح‌هایی را اجرا کردند که بخش بزرگی از جمعیت این کشورها را تحت پوشش گرفت. نام طرح مکزیک «رشد»^۱ بود که بعدها به «فرصت»^۲ تغییر نام داد. نام طرح برزیل نیز «بسته حمایتی خانواده»^۳ بود. در نهایت، برنامه‌های یارانه نقدی مشروط به‌ویژه در هند و سایر کشورهای در حال توسعه گسترش یافت. نخستین برنامه یارانه نقدی مشروط در هند را در سال ۱۹۹۴م دولت هاریلنا^۴ با عنوان «دختر من، دارایی من» معرفی کرد. بر اساس ارزیابی‌های اخیر، سطح تحصیلات رشد یافته است؛ با این حال، آموزش دختران در مقایسه با مسئله ازدواج دختران، در درجه دوم اهمیت قرار داشت. تقریباً ۵۰ درصد از والدین اظهار داشتند که هزینه‌های ازدواج دخترشان از محل وجوه یارانه نقدی مشروط تأمین خواهد شد (Louis et al., 2018: 47).

انواع حمایت‌ها در برنامه‌های یارانه نقدی مشروط از نظر نحوه اجرا متفاوت است. نخست، مشوق‌ها مشروط به مجموعه‌ای از الزام‌هاست که معرف نوعی «قرارداد اجتماعی» میان دولت و دریافت‌کننده مشوق است و تحقق استانداردهای ازپیش تعیین‌شده را الزامی می‌کند. دوم، به جای تحویل کالا، مزایا به صورت نقدی و مستقیم به دریافت‌کننده پرداخت می‌شود. برنامه‌های یارانه نقدی مشروط معمولاً به جمعیت‌های محروم اختصاص دارد. این جمعیت‌ها به خدمات پایه‌ای همچون آموزش و بهداشت چندان دسترسی ندارند. هدف اصلی طرح کانیاشری پرکالپا این است که برای دختران همان میزان جایگاه و فرصت قائل شوند که برای پسران وجود دارد؛ یعنی به آنان امکان ورود به بازار کار، به تأخیر انداختن ازدواج و افزایش قدرت چانه‌زنی در خانواده داده شود. هدف از این توانمندسازی آن است که زنان قادر باشند تصمیم‌های مهم زندگی خود را به طور مستقل اتخاذ کنند (West Bengal Government, 2015: 6).

-
1. Progresia
 2. Oportunidades
 3. Bolsa Familia
 4. Haryana

اهداف اصلی طرح کنیاشری پرکالپا به شرح زیر است:

- افزایش مدت حضور در مدرسه تا مقاطع متوسطه، پیش‌دانشگاهی و دانشگاهی، شامل دوره‌های فنی، حرفه‌ای یا ورزشی. هدف این راهبرد آن است که برای زنان پایه‌ای مستحکم‌تر در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی زندگی فراهم شود.
- به تأخیر انداختن ازدواج تا رسیدن دختر به سن قانونی ۱۸ سالگی، که احتمال بارداری‌های زودهنگام، خطر مرگ مادر و نوزاد، و سایر پیامدهای منفی سلامت مانند سوءتغذیه کاهش یابد.
- الزامی کردن واریز مزایای نقدی به حساب بانکی دریافت‌کنندگان طرح کنیاشری پرکالپا به منظور ایجاد پایه‌ای برای تأمین مالی دختران.
- تغییر نگرش، احساس و رفتار دختران نوجوان، خانواده‌های آنان و سایر افراد مهم در زندگی آنان، همراه با ترویج برابری جنسیتی از طریق برنامه‌های اطلاع‌رسانی هدفمند (West Bengal Government, 2016: 5).

طرح ایالتی کنیاشری در دو سطح حمایتی مالی در سال ۲۰۱۳ م به اجرا درآمد. در مرحله نخست، برای دختران مجرد بین ۱۳ تا ۱۸ سال که در پایه‌های هشتم تا دوازدهم یا معادل آن‌ها تحصیل می‌کنند، سالانه بورسیه‌ای به مبلغ ۵۰۰ روپیه در نظر گرفته شد. این مبلغ از سال اجرایی ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۶ م به ۷۵۰ روپیه افزایش یافت. در مرحله دوم، دختران مجرد زیر ۱۸ سال که در رشته‌های ورزشی، فنی یا حرفه‌ای یا سایر سطوح آموزشی ثبت‌نام کرده‌اند، واجد شرایط دریافت کمک‌هزینه‌ای یک‌باره به مبلغ ۲۵,۰۰۰ روپیه هستند.

۲.۴. ارزیابی سیاست؛ تأثیر در برابر خروجی

مردم اغلب چنین فکر می‌کنند که وقتی قانونی تصویب می‌شود، نهادی اداری برای اجرای آن تعیین می‌شود و بودجه‌ای نیز به فرایند اجرا تخصیص می‌یابد؛ در نتیجه، هدف قانون، وظایف اداره‌ها و هزینه‌ها به‌طور خودکار محقق خواهد شد. ما با این تصور زندگی می‌کنیم که وقتی مجلس سیاستی را تصویب می‌کند و به آن بودجه‌ای اختصاص می‌دهد، و زمانی که قوه مجریه برنامه‌ای را سازمان‌دهی می‌کند، نیروی انسانی به‌کار می‌گیرد، هزینه می‌کند و فعالیت‌هایی را برای اجرای سیاست انجام می‌دهد، و اثر آن سیاست به‌صورت ملموس در جامعه احساس خواهد شد. با این حال، در واقعیت این فرض‌ها درست نیست. تجربه هند در زمینه

اجرای چندین برنامه سیاست عمومی، نشان داد لازم است تأثیر واقعی سیاست‌های عمومی به‌طور دقیق ارزیابی شود.

آیا دولت واقعاً می‌داند چه می‌کند؟ پاسخ ما منفی است. دولت‌ها معمولاً تنها می‌دانند چه میزان پول خرج می‌کنند، چند شهروند از خدمات برخوردار می‌شوند، هزینه این خدمات چقدر است، برنامه‌ها چگونه ساختار می‌یابد و مدیریت و اجرا می‌شود. مهم‌تر از همه، دولت‌ها از دیدگاه گروه‌های ذی‌نفع درباره سیاست‌های خود آگاهی می‌یابند. سیاست‌های عمومی برای دولت ابزاری است تا رأی اکثریت جوامع را به‌دست آورد. بنابراین، سیاست‌های عمومی به‌گونه‌ای طراحی می‌شود که به نفع جوامع اکثریت عمل کند و در نتیجه رأی آنان جلب شود. از این‌رو، دولت باید اطمینان حاصل کند که گروه‌های فشار و منافع نمایندگان این جوامع از دامنه و مزایای کامل این سیاست‌ها آگاه باشند. با داشتن این آگاهی، گروه‌های ذی‌نفع می‌توانند اطلاعات مربوط به سیاست‌ها را به توده‌های مردم منتقل کنند و آنان را از مزایای سیاست‌ها آگاه سازند، به‌گونه‌ای که تصویری از دولتی دلسوز و حامی شکل گیرد. بنابراین، دولت‌ها معمولاً تلاش می‌کنند گروه‌های فشار و گروه‌های منتفع، از سیاست‌های عمومی جدید دولت، کاملاً آگاه باشند.

اما یک پرسش همچنان باقی می‌ماند: حتی اگر سیاست‌های عمومی به‌خوبی طراحی، به‌طور کارآمد اجرا، به‌درستی استفاده، کافی تأمین مالی و از سوی گروه‌های اکثریت حمایت شود، آیا واقعاً مؤثر است؟ تا چه اندازه به جامعه سود می‌رساند؟ آیا منافع آن بلندمدت است یا کوتاه‌مدت؟ در این زمینه، توماس دای مفهوم تمایز میان تأثیر سیاست و خروجی سیاست را مطرح کرد. پیش از پرداختن به این موضوع، لازم است درک کنیم که ارزیابی سیاست عمومی چیست. ارزیابی سیاست عبارت است از فرایند شناخت جنبه‌های مثبت و منفی، یا به بیان بهتر، پیامدهای سیاست عمومی خاصی. هدف از آن بررسی تجربی تأثیر سیاست‌ها و برنامه‌های موجود بر گروه‌های هدف با توجه به اهدافی است که این سیاست‌ها برای تحقق آن‌ها طراحی شده‌اند.

باین‌حال، ارزیابی سیاست را نمی‌توان صرفاً به دستاوردهای سیاست محدود کرد. به‌جای تمرکز بر دستاوردها، باید بر پیامدهای سیاست عمومی تمرکز داشت. تمرکز بر پیامدهای سیاست عمومی را می‌توان تمرکز بر تأثیر سیاست عمومی نامید، یا به تعبیر دقیق‌تر، تأثیر سیاست به‌معنای تمرکز بر آثار واقعی سیاست در

دنیای واقعی است، شامل تأثیر بر گروه هدف، آثار جانبی، تأثیر بر شرایط فعلی و آینده، هزینه‌های مستقیم سیاست عمومی و نیز هزینه‌های غیرمستقیم آن. برای بحث درباره ارزیابی‌های سیاستی مربوط به طرح کانیاشری پرکالپا از منظر دیدگاه‌های نظری، درک تفاوت میان تأثیر سیاست و خروجی آن سیاست اهمیت حیاتی دارد.

واژه «تأثیر» اغلب به اشتباه مترادف با واژه «خروجی» در نظر گرفته می‌شود. اشتباه گرفتن تفاوت میان «تأثیر سیاست» و «خروجی سیاست» امری رایج است و بسیاری این دو را به یک معنا به کار می‌برند. با این حال، در واقعیت، این دو کاملاً متفاوت‌اند. هنگام تمرکز بر تأثیر سیاست، نمی‌توان صرفاً فعالیت دولت را سنجید. به‌طور مثال، مقدار روپیه‌ای که برای هر عضو از گروه هدف خاصی هزینه می‌شود، مانند هزینه سرانه برای رفاه اجتماعی، اندازه واقعی و دقیق تأثیر آن سیاست بر گروه هدف نیست. این صرفاً معیاری برای سنجش فعالیت دولت است؛ یعنی، معیاری از خروجی سیاست است.

متأسفانه، بیشتر دولت‌ها در اکثر موارد حجم عظیمی از داده‌های آماری تولید می‌کنند که تنها سنجشی از خروجی‌هاست؛ به‌طور مثال، پرداخت‌های رفاهی، پرداخت‌های مربوط به خدمات درمانی یا آمار ثبت‌نام در مدارس (که در مورد طرح «کانیاشری پرکالپا» نیز صدق می‌کند). داده‌های آماری نوعی توهم ایجاد می‌کند که بازنمایی از شرایط واقعی نیست. چنین داده‌هایی تنها خروجی سیاست را نشان می‌دهد، نه تأثیر واقعی آن در دنیای واقعی (Dutta & Sen, 2021: 7).

۳.۴. عوامل مؤثر بر سیاست

الف) گروه‌های هدف. گروه هدف آن بخش از جمعیت است که سیاست برای آنان طراحی و اجرا شده است. این گروه ممکن است اقشار محروم جامعه، گروه شغلی خاص یا کشاورزان باشند. در مورد طرح کانیاشری، گروه هدف دختران بین سنین ۱۳ تا ۱۸ سال هستند. پس از شناسایی گروه هدف، باید تأثیر مطلوب سیاست بر اعضای این گروه مشخص شود. هدف مورد نظر در طرح کانیاشری جلوگیری از کودک‌همسری و ترک تحصیل از طریق دادن مشوق‌هایی در قالب بورسیه تحصیلی است.

ب) گروه‌های غیرهدف. بیشتر سیاست‌ها بر بخش‌های مختلف جمعیت تأثیرات متفاوتی دارد. به‌طور مثال، اصلاح‌های رفاهی ممکن است به‌طور غیرمستقیم

بر گروه‌هایی غیر از قشر کم‌درآمد نیز اثر بگذارد. در مورد طرح کنیاشری، شناسایی گروه غیرهدف بسیار دشوار است، زیرا این سیاست به‌طور خاص کودکان دختر را هدف قرار می‌دهد. با این حال، می‌توان فرض کرد که گروه غیرهدف در این مورد، خانواده نزدیک کودکان دختر است که از مبلغ بورسیه‌ای که دختر دریافت می‌کند، منتفع می‌شوند.

پ) آثار کوتاه‌مدت و بلندمدت. هر سیاستی نیازمند تخصیص گسترده منابع مالی است. یکی از دغدغه‌های اصلی در چنین تخصیصی آن است که آیا منافع حاصل از سیاست بیش از هزینه‌های آن خواهد بود. همچنین، درک این نکته ضروری است که آیا سیاست برای ایجاد تغییرات کوتاه‌مدت طراحی شده یا هدف آن تغییرات بلندمدت است. طرح کنیاشری برای ایجاد تغییرات بلندمدت و پایدار طراحی شده است. این سیاست با حمایت از طریق بورسیه‌های تحصیلی، کاهش درصد ترک تحصیل و افزایش ثبت‌نام دختران در مدارس محقق می‌شود که در نهایت به ظهور نسلی از زنان تحصیل کرده منجر خواهد شد.

ت) تحلیل هزینه و فایده. همانند هر تصمیمی در زندگی، سیاست عمومی نیز باید در معرض تحلیل هزینه و فایده قرار گیرد. ارزش سیاست عمومی اساساً به این بستگی دارد که آیا منافع آن از هزینه‌ها فراتر می‌رود. طرح کنیاشری با پشتوانه‌ای از ملاحظات اخلاقی جدی همراه است و هدف آن ایجاد تغییرات اساسی اجتماعی از طریق توانمندسازی زنان از سنین پایین است. علاوه بر این، نسلی از زنان تحصیل کرده در آینده وارد بازار کار خواهند شد، درآمد کسب خواهند کرد و به عنوان مالیات‌دهندگان آینده، سرمایه‌گذاری دولت را در بلندمدت جبران خواهند کرد.

۴.۴. ارزیابی سیاست؛ دولت‌ها معمولاً چه می‌کنند؟

الف) گزارش‌ها و جلسات استماع. یکی از روش‌های رایج ارزیابی سیاست که در بیشتر دولت‌ها دنبال می‌شود، برگزاری جلسات استماع و گزارش است. در صحن قانونگذاری، از مدیران دولتی خواسته می‌شود تا دستوردهای سیاست‌ها را مطرح کنند. در این راستا، گزارش‌های سالانه برنامه‌ای خاص داده می‌شود. این روش، شیوه‌ای عینی برای ارزیابی سیاست نیست، زیرا مزایای سیاست بزرگ‌نمایی می‌شود. داده‌های آماری مطرح شده ممکن است بسیار گمراه‌کننده باشد. به‌طور مثال، اگر در گزارش‌ها بیان شده باشد که پس از اجرای طرح

کنیاشری میزان ثبت‌نام ۱۰ درصد افزایش یافته است، ممکن است بدین معنا باشد که ثبت‌نام از ۱ به ۱۰ کودک دختر افزایش یافته است، یعنی در مجموع ۱۰ دختر. از سوی دیگر، اگر ثبت‌نام پسران تنها ۲ درصد افزایش یافته باشد، ممکن است به معنای افزایش از ۱۰۰۰ پسر به ۱۰۵۰ پسر باشد، یعنی در مجموع ۵۰ پسر.

ب) بازدید از مکان‌ها. بازدیدهای میدانی عبارت است از بازدید مدیران، مشاوران یا قانونگذاران از محل اجرای سیاست به منظور بازرسی. احتمال زیادی وجود دارد که این بازدیدکنندگان داده‌هایی تأثیرپذیر از ظاهر امر درباره میزان اثربخشی سیاست عمومی، رعایت دستورالعمل‌ها، کافی بودن نیروی انسانی و میزان رضایت گروه هدف از خدمات جمع‌آوری کنند. این امر به آن دلیل است که در بیشتر موارد، افراد در این مکان‌ها پیش از بازدید، از آن مطلع می‌شوند و فرصت دارند تا از قبل آماده شوند و تصویری غلط‌انداز ارائه دهند. به طور مثال، هدف طرح کنیاشری کاهش ترک تحصیل و جلوگیری از ازدواج زودهنگام کودکان دختر است. اگر این طرح موفق باشد، باید شاهد افزایش تعداد دختران در مدارس باشیم. اما، در بیشتر مدارس لیلالت بنگال غربی، دختران به طور منظم به مدرسه نمی‌روند. پولی که دریافت می‌کنند اغلب برای تحصیل هزینه نمی‌شود، بلکه صرف نیازهای شخصی یا خانوادگی آنان می‌شود. باین حال، ممکن است مدیران مدارس دانش‌آموزان دختر را مجبور کنند در روز بازدید در مدرسه حضور یابند تا تصویری غیرواقعی ارائه شود.

پ) مقایسه با استانداردهای حرفه‌ای. انجمن‌های حرفه‌ای استانداردهای دقیقی برای بسیاری از فعالیت‌های دولتی تدوین کرده‌اند. تعداد دانش‌آموزان به‌ازای هر معلم، تعداد تخت‌های بیمارستان به‌ازای هر هزار نفر و تعداد پرونده‌ها به‌ازای هر کارمند رفاه اجتماعی نمونه‌هایی از این استانداردهاست که سطح مطلوب خروجی بیان می‌شود. سپس، می‌توان نتایج واقعی دولت را با نتایج ایدئال مقایسه کرد. باین حال، چنین مقایسه‌هایی معمولاً تنها بر خروجی‌ها تمرکز دارد و تأثیر واقعی سیاست را نشان نمی‌دهد. شاخص‌های توانمندسازی زنان مانند نسبت ثبت‌نام یا کاهش درصد ترک تحصیل تنها خروجی محسوب می‌شوند و هیچ چیز درباره تأثیر واقعی سیاست بیان نمی‌کنند. تأثیر طرح کنیاشری شامل شاخص‌هایی همچون تعداد دخترانی است که تحت این طرح پس از اتمام تحصیل موفق به کسب شغل شده‌اند.

ت) ارزیابی شکایت‌های شهروندان. یکی از روش‌های متداول دولت‌ها در ارزیابی سیاست، تحلیل شکایت‌های شهروندان است. شکایت و نارضایتی شهروندان از طریق مصاحبه، پرسشنامه یا برگه‌های بازخورد جمع‌آوری می‌شود. درباره‌ی طرح کانیاشری، به‌کارگیری این روش بسیار دشوار است. گروه هدف شامل دانش‌آموزان دختر در سنین ۱۳ تا ۱۸ سال است. جمع‌آوری شکایت درباره‌ی طرح‌هایی مانند طرح کانیاشری که دختران کم‌درآمد در این گروه سنی را هدف قرار می‌دهد، دشوار است. در مناطقی که بسیاری از مردم دسترسی به تلفن ندارند، انجام مصاحبه، نظرسنجی و دریافت برگه‌های بازخورد برخط چالش‌برانگیز است. همچنین، نگرانی‌هایی درباره‌ی کنترل ولدین بر پاسخ‌ها وجود دارد. ممکن است دولت برگه‌ها را تنها در اختیار افرادی قرار دهد که پاسخ مثبت می‌دهند و این امر به داده‌های جانبدارانه و نتایج نادرست منجر شود. رفع این مشکلات برای اطمینان از ارزیابی صحیح سیاست ضروری است.

ث) نظرسنجی از افکار عمومی. نظرسنجی از افکار عمومی ممکن است در ظاهر روشی مناسب برای سنجش تأثیر سیاست به‌نظر برسد، اما در واقع چنین نیست. همان مشکلات درباره‌ی ارزیابی شکایت‌ها، درباره‌ی نظرسنجی‌های افکار عمومی نیز وجود دارد. این برگه‌ها ممکن است دستکاری و تنها برای افرادی ارسال شوند که احتمال می‌رود پاسخ مثبت بدهند. این امر به ارزیابی دقیق تأثیر واقعی سیاست منجر نمی‌شود.

سیاست‌هایی که با روش‌های ارزیابی ناکارآمد بررسی می‌شود یا خروجی‌ها بر تأثیرات مقدم دانسته می‌شود، ممکن است مزایایی بیش از واقع نشان دهد. این امر اهمیت دارد، زیرا دولت‌ها تمایل دارند بر دستاوردهای خود تأکید کنند. اثربخشی سیاست عمومی به‌منزله‌ی نوعی معیار سنجش برای دولت عمل می‌کند. زمانی که سیاست‌ها مؤثر باشند، مردم تمایل بیشتری به رأی‌دادن مجدد به دولت خواهند داشت. با این حال، اگر سیاستی شکست بخورد، ممکن است برای دولت دشوار باشد که قدرت خود را حفظ کند. بنابراین، برجسته‌سازی مزایا به افزایش محبوبیت و انتخاب مجدد دولت کمک می‌کند (Dye, 2013: 48).

۵.۴. ارزیابی سیاست؛ دولت چه باید بکند؟

با روش‌های ارزیابی گفته‌شده، به‌طور مؤثر نمی‌توان هزینه‌ها را در برابر منافع سنجید. برای درک تأثیر واقعی سیاست‌های دولت بر جامعه، لازم است روش‌های

ارزیابی سیاستی پیچیده‌تر و ویژه طراحی‌شده‌ای به کار گرفته شود. چنین روشی ممکن است شامل مقایسه‌هایی باشد که با هدف مشخص کردن تغییرات اجتماعی ناشی از اجرای سیاست طراحی می‌شوند. این بدان معناست که باید آنچه اتفاق افتاده است با آنچه ممکن بود اتفاق بیفتد اگر سیاست اجرا نمی‌شد، مقایسه شود. تعیین «آنچه اتفاق افتاده» آسان است، زیرا این هدف اصلی بیشتر روش‌های ارزیابی سیاست است. در خصوص طرح کانیاشری، می‌توان به مطالعه آریجیتا دوتا و آیندیتا سن (Dutta & Sen, 2021) در سال ۲۰۱۸ اشاره می‌کنیم. نسبت دختران زیر سن قانونی که تحت فشار ازدواج قرار نداشتند، در هوره به میزان ۵/۱۷ درصد، در مرشدآباد به میزان ۴/۰۴ درصد و در کوچبهار به میزان ۲/۶۷ درصد افزایش یافته است.

الف) مقایسه قبل و بعد. یکی از روش‌های رایج که دولت‌ها می‌توانند از آن پیروی کنند، مقایسه قبل و بعد از اجرای سیاست است. متداول‌ترین و مؤثرترین شیوه در این روش، مقایسه نتایج در منطقه‌ای خاص در دو مقطع زمانی متفاوت است؛ یکی پیش از اجرای برنامه و دیگری پس از اجرای آن. در این مقایسه، باید تأثیر سیاست بر گروه هدف بررسی شود. مقایسه قبل و بعد از اجرا به درک تأثیر واقعی سیاست کمک می‌کند، اما یک مسئله همچنان باقی است: آیا عوامل دیگری مسئول تغییر است؟ اگر هست، چه عواملی است؟ در این صورت، چنین تغییراتی را نمی‌توان صرفاً تأثیر سیاست عمومی تلقی کرد.

ب) مقایسه خط روند پیش‌بینی‌شده با داده‌های پس از اجرای برنامه. درک بهتر از اینکه چه اتفاقی ممکن بود بیفتد اگر برنامه اجرا نمی‌شد، ممکن است از طریق برون‌یابی روندهای گذشته به دوره پس از اجرای برنامه حاصل شود. چنین برون‌یابی‌هایی ممکن است با یکدیگر مقایسه شوند تا تغییرات اجتماعی، به‌ویژه تغییرات در گروه هدف پس از معرفی و اجرای برنامه مشخص شود. تفاوت میان روندهای پیش از برنامه و داده‌های پس از اجرای برنامه را می‌توان به خود سیاست عمومی نسبت داد. نکته‌ای که باید بدان توجه داشت این است که داده‌های مربوط به گروه هدف باید برای مدت طولانی پیش از اجرای سیاست جمع‌آوری شود تا امکان ترسیم خط روند معتبر فراهم باشد.

پ) مقایسه میان حوزه‌های دارای برنامه و بدون برنامه. مقایسه میان مشارکت‌کنندگان و غیرمشارکت‌کنندگان در برنامه، یا مقایسه میان شهرها، ایالت‌ها یا کشورهایی که سیاست در آن‌ها اجرا شده با مواردی که اجرا نشده، یکی

دیگر از روش‌های متداول ارزیابی است. گاه، فقط داده‌های مربوط به دوره پس از اجرای برنامه برای مقایسه به کار می‌رود؛ به‌طور مثال، سوابق شغلی شرکت‌کنندگان در برنامه‌های آموزش نیروی کار با سوابق افراد غیرشرکت‌کننده مقایسه می‌شود، یا آمار قتل در لیلتهایی که مجازات اعدام دارند با لیلتهایی که چنین مجازاتی ندارند مقایسه می‌شود. در خصوص طرح کنیاشری، لازم است منطقه‌ای در ایالتی دیگر در هند شناسایی شود که شرایط اجتماعی-اقتصادی مشابهی دارد. در چنین منطقه‌ای باید آمار ترک تحصیل و روندهای مشلبه ازدواج زود هنگام دختران همچون یکی از مناطق ایالت بنگال غربی وجود داشته باشد. با بررسی چنین منطقه‌ای می‌توان تغییرات منطقه‌ای در بنگال غربی را که طرح کنیاشری در آن اجرا شده است، مطالعه کرد.

ت) مقایسه گروه کنترل و گروه آزمایش پیش و پس از اجرای سیاست. طرح‌های پژوهشی سنتی شامل مراحل زیر است: اجرای سیاست تنها بر روی گروه آزمایش، انتخاب دقیق گروه‌های کنترل و آزمایش مشابه یکدیگر و مقایسه تغییرات در گروه آزمایش با تغییرات در گروه کنترل پس از اجرای سیاست. در آغاز، گروه‌های کنترل و آزمایش باید همسان باشند و عملکرد پیش از اجرای برنامه در هر دو گروه اندازه‌گیری شود و برابر باشد. تنها گروه آزمایش مجاز به استفاده از برنامه است. اندازه‌گیری دقیق تفاوت‌های پس از اجرای برنامه میان دو گروه کنترل و آزمایش اهمیت دارد. مدیران، ارزیابان سیاست و نهادهای مستقل می‌توانند از این روش پژوهشی سنتی استفاده کنند، زیرا این روش بهترین فرصت را برای سنجش تغییرات ناشی از تأثیر عوامل اجتماعی دیگر فراهم می‌کند.

۶.۴. موانع طرح کنیاشری

هدف اصلی طرح کنیاشری کاهش تعداد کودک‌همسری در میان دختران زیر سن قانونی از طریق اعطای بورسیه‌هایی است که مشوقی برای ادامه تحصیل عمل کند. با کاهش فشار مالی ناشی از آموزش و پرورش دختران، این سیاست در پی آن است که والدین را از ازدواج زود هنگام دخترانشان باز دارد. انتظار می‌رود کاهش در فراوانی ازدواج‌های زود هنگام به کاهش درصد ترک تحصیل دانش‌آموزان بینجامد. به‌عنوان راهبردی اخلاقی، طرح کنیاشری در پی آن است که از سنین پایین، توانمندسازی قابل توجهی در میان زنان ایجاد شود. اگرچه اهداف کلی و تأثیر بالقوه این سیاست ستودنی به‌نظر می‌رسد، ارزیابی واقعی میزان کارایی آن با استفاده از روش‌های سنتی ارزیابی، چالشی عملی است.

شکاف میان اهداف ظاهری و واقعیت‌های اجرایی سیاست، پیچیدگی‌هایی به وجود می‌آورد. پویایی‌های پیچیده‌ای که در اجرا نقش دارند، ممکن است با روش‌های سنتی ارزیابی به‌درستی سنجیده نشود (بدان اشاره کردیم)، و این امر تعیین تأثیر واقعی سیاست را دشوار می‌سازد. ارزیابی میزان اثربخشی طرح کنیاشری مستلزم درک عمیق از محیط اجتماعی اجرای سیاست، نگرش‌های عمومی و پیچیدگی مسئله‌ای است که سیاست در پی حل آن است. بنابراین، هرچند اهداف کلی و مزایای احتمالی این سیاست روشن است، ارزیابی آن در دنیای واقعی، به دلیل همین پیچیدگی‌ها، بسیار دشوار است.

الف) نخست، نظام یارانه نقدی مشروط، به ثبت‌نام دانش‌آموز در مدرسه برای دریافت بورسیه وابسته است. باین حال، این سؤال مطرح می‌شود که آیا صرف ثبت‌نام توانمندسازی واقعی را تضمین می‌کند؟ علاوه بر ثبت‌نام، حضور منظم در کلاس نیز ضروری است، و اگرچه این شرطی الزامی است، میزان پایبندی به آن نیازمند بررسی است. حفظ حضور منظم در کلاس‌های درس، به‌ویژه در مناطق روستایی، ممکن است دشوار باشد. افزون بر این، نگرانی‌هایی درباره احتمال تبانی میان دانش‌آموزان و مدیران مدارس وجود دارد، به‌طوری‌که ممکن است بخشی از مبلغ بورسیه به‌طور پنهانی به مدیران پرداخت شود تا دانش‌آموزان بدون رعایت شرط حضور، سهم عمده‌ای از بورسیه را دریافت کنند.

ب) دوم، به توانمندسازی زنان در ابعادی فراتر از آمار ثبت‌نام و حضور در کلاس‌ها توجه می‌شود، که مستلزم بازنگری در جنبه‌های محتوایی آموزش است. نگرانی‌های بنیادی درباره کیفیت آموزشی دولت وجود دارد. بررسی میزان دسترسی به معلمان واجد صلاحیت و کفایت زیرساخت‌های آموزشی برای ارزیابی انتقادی امری ضروری است. در فضای کنونی ایالت بنگال غربی، کمبود آشکاری در این عناصر حیاتی دیده می‌شود. به‌ویژه، این منطقه با درصد زیاد بیکاری روبه‌روست که هم‌زمان با کمبود نیروی آموزشی در مدارس همراه است. این مسئله نیازمند تحلیل عمیق‌تری از کارایی برنامه‌های آموزشی است و پرسش‌هایی را درباره ارزش ترویج ثبت‌نام دختران در مدارس مطرح می‌کند که نارسایی‌های نهادی کیفیت آموزش را تهدید می‌کند.

پ) سوم، دامنه طرح کنیاشری شامل تمامی دختران بین ۱۳ تا ۱۸ سال می‌شود؛ دامنه‌ای گسترده که انتقادهایی را درباره ضرورت توزیع همگانی بورسیه‌ها برمی‌انگیزد. این پرسش مطرح می‌شود که آیا خطر ازدواج زودهنگام

برای همه دختران در ایالت بنگال غربی به یک اندازه وجود دارد؟ هرچند این آسیب‌پذیری در مناطق روستایی مشهود است، لزوماً در مناطق شهری صدق نمی‌کند. اعطای بورسیه به تمامی دختران بدون تمایز، به‌نظر تصمیمی فاقد دقت و سنجش کافی می‌آید. اقدام سنجیده‌تر آن است که کمک‌های مالی به گروهی از دختران اختصاص یابد که از نظر اقتصادی در وضعیت نامناسب‌تری قرار دارند و احتمال ازدواج زودهنگام در میان آنان بیشتر است.

چنین تصمیمی در توزیع بورسیه نه‌تنها تخصیص منابع را بهینه می‌کند، بلکه با شرایط پیچیده اجتماعی و اقتصادی نیز هم‌سوست. تمرکز کمک‌های مالی بر دخترانی که با مشکلات واقعی مالی و خطر بیشتر ازدواج زودهنگام روبه‌رو هستند، بیشترین تأثیر ممکن را به همراه خواهد داشت. علاوه‌بر این، منابع مالی صرفه‌جویی‌شده از طریق کاهش دامنه طرح برای افزایش میزان کمک به دخترانی که واقعاً با دشواری‌های اقتصادی مواجه هستند استفاده می‌شود. در این رویکرد بهبودیافته نه‌تنها تنوع چالش‌های پیش‌روی گروه‌های مختلف زنان به رسمیت شناخته می‌شود، بلکه بر استفاده خردمندانه از منابع محدود برای ارتقای اثربخشی طرح کنیاشری تأکید شده است.

۷.۴. طرح کنیاشری و اهداف توسعه پایدار؛ ارزیابی انتقادی

اهداف توسعه پایدار (SDGs) که در سال ۲۰۱۵م سازمان ملل متحد تصویب کرد، چارچوبی جهانی برای پرداختن به مسائل اساسی همچون نابرابری، فقر، سلامت، عدالت جنسیتی و آموزش است. سیاست‌های عمومی ملی و منطقه‌ای هر کشور را می‌توان از منظر اهداف توسعه پایدار ارزیابی کرد. طرح کنیاشری یکی از سیاست‌های اجتماعی شاخص دولت ایالت بنگال غربی در هند و نمونه‌ای جالب برای بررسی چگونگی هم‌سویی طرح‌های رفاهی هدف‌مند با دستورکارهای جهانی گسترده‌تر به‌شمار می‌رود. اهداف این طرح، ازجمله کاهش درصد ترک تحصیل در میان دختران نوجوان و جلوگیری از ازدواج زودهنگام، مستقیماً با ۴ SDG و ۵ SDG مرتبط است. با این حال، در مقایسه با ۱ SDG و ۱۰ SDG، این طرح محدودیت‌هایی را نشان می‌دهد و بدین ترتیب سطحی بودن رویکرد آن نسبت به کاهش فقر و نابرابری را آشکار می‌سازد.

۷.۴.۱. ۴ SDG آموزش با کیفیت

مهم‌ترین دستاورد طرح کنیاشری ایجاد مشوق‌هایی برای ماندن دختران نوجوان

در مدرسه تا حداقل سن هجده سالگی است. با پرداخت یارانه‌های نقدی مشروط که به ثبت‌نام و حضور در مدرسه بستگی دارد، این طرح با هدف ۴.۱ SDG همسوست؛ یعنی، اتمام آموزش ابتدایی و متوسطه رایگان، عادلانه و با کیفیت. همچنین با هدف ۴.۵ هم‌راستاست که خواستار از میان بردن نابرابری‌های آموزشی جنسیتی است.

باین حال، مسئله کیفیت آموزش همچنان پابرجاست. درحالی که این طرح توانسته است مشارکت دختران در آموزش را افزایش دهد، فقدان زیرساخت‌های مناسب، کمبود نیروی آموزشی و محدودیت در پشتیبانی‌های برنامه‌ای، ظرفیت تحول‌آفرین آن را تضعیف می‌کند. از این رو، این سیاست نتوانسته است به ابعاد کیفی آموزش پردازد. در نتیجه می‌توان گفت که این سیاست تنها بخشی از SDG 4 را تحقق می‌بخشد، زیرا در آن کمیت بر کیفیت اولویت دارد.

۲.۷.۴. SDG 5 برابری جنسیتی

طرح کنیاشری به هدف ۵.۳ می‌پردازد که بر حذف تمام رسوم و رویه‌های زیانبار، از جمله کودک‌همسری، تأکید می‌شود. با اعطای پاداش به خانواده‌ها برای به تأخیر انداختن ازدواج دختران تا سن قانونی هجده سال، این سیاست مستقیماً در رویه اجتماعی دیرینه‌ای مداخله می‌کند. همچنین، از هدف ۵.۱ حمایت می‌کند که به پایان دادن تبعیض علیه زنان و دختران می‌پردازد، چراکه این سیاست نشانه‌ای از به رسمیت شناختن حق دختران برای آموزش و خودمختاری از سوی دولت است.

علاوه بر این، انتقال مبلغ بورسیه به حساب‌های بانکی شخصی ذی‌نفعان، دختران جوان را با نظام‌های مالی رسمی آشنا می‌سازد و بدین ترتیب زمینه‌ساز گنجاندن در اقتصاد و افزایش قدرت تصمیم‌گیری آنان در چارچوب خانواده می‌شود. باین حال، تأثیر این اقدام‌ها، بسته به صداقت در اجرا و میزان پذیرش اجتماعی، متفاوت است. نیاز به مداخله‌های مکمل همچون برنامه‌های آگاهی‌بخشی، مهارت‌آموزی و پیوند با بازار کار وجود دارد.

۲.۷.۴. SDG 1 پایان فقر؛ پیوندی سطحی

در نگاه نخست، طرح کنیاشری ممکن است هم‌راستا با SDG 1 به نظر برسد که هدف آن پایان دادن به فقر در همه اشکال آن است. بورسیه‌های داده‌شده به خانواده‌ها تا حدودی فشار مالی را کاهش می‌دهد، به‌ویژه در خانوارهای کم‌درآمد.

با این حال، مبالغ پرداختی سالانه بین ۵۰۰ تا ۷۵۰ روپیه به عنوان بورسیه مکرر و کمک هزینه یک باره ۲۵,۰۰۰ روپیه برای ایجاد تغییر اقتصادی پایدار کافی نیست. با این مبالغ شاید بتوان هزینه‌های کوتاه مدتی مانند شهریه مدرسه، خرید کتاب یا پس اندازهای مربوط به ازدواج را پوشش داد، اما به تغییر شرایط ساختاری فقر نمی‌انجامد.

افزون بر این، این برنامه به ایجاد اشتغال، افزایش مهارت‌ها یا تأمین امنیت درآمد بلندمدت منجر نمی‌شود؛ عواملی که در اهداف جزئی SDG 1 همچون Target 1.1 (ریشه‌کنی فقر شدید) و Target 1.4 (دسترسی برابر به منابع اقتصادی) بر آن‌ها تأکید شده است. در نتیجه، تأثیر این طرح در کاهش فقر در بهترین حالت سطحی و غیرمستقیم است. در این برنامه آموزش ابزاری برای مقابله با فقر تلقی می‌شود، بی‌آنکه سازوکارهای حمایتی اقتصادی ساختاری را در خود جای دهد.

۴.۷.۴. SDG 10 کاهش نابرابری‌ها؛ دامنه محدود

به طور مشابه، این برنامه ارتباط ضعیفی با SDG 10 دارد که هدف آن کاهش نابرابری‌ها درون کشورها و میان کشورهاست. هرچند در این طرح دختران نوجوان هدف قرار دارند، به طور خاص به گروه‌های به حاشیه رانده شده مانند طبقات، یا اقلیت‌های مذهبی که با لایه‌های متعددی از آسیب پذیری روبه‌رو هستند، اولویت داده نشده است. توزیع همگانی بورسیه‌ها میان تمامی دختران واجد شرایط، بدون در نظر گرفتن پیشینه اجتماعی-اقتصادی آنان، ظرفیت بازتوزیعی این سیاست را تضعیف می‌کند.

بنابراین، هرچند در طرح کنیاشری به طور نمادین از فراگیری حمایت شده است، به طور ماهوی نابرابری‌های ساختاری در دسترسی به آموزش با کیفیت، مراقبت‌های بهداشتی یا فرصت‌های شغلی کاهش نمی‌یابد. هدف ۱۰.۲ SDG، که بر توانمندسازی جوامع به حاشیه رانده شده تأکید می‌شود، تا حد زیادی نادیده گرفته شده است. این طرح در شکل کنونی خود در معرض خطر ایجاد نوعی روایت ظاهری از برابری است، بی‌آنکه با سلسله مراتب ریشه دار طبقه، کاست و منطقه که به طرد اجتماعی دامن می‌زنند، مقابله شود.

۸.۴. تأملاتی چند

با شعار قدرتمند «Ma, Mati, Manush» (مادر، زمین، مردم)، حزب ترینامول^۱ در سال ۲۰۱۱م، پیروزی قاطعانه‌ای در بنگال غربی به‌دست آمد و به ۳۴ سال حاکمیت جبهه چپ پایان داد (Sarkar, 2022: 11). موضوع زمین محور اصلی روایت پیرامون انتخابات ۲۰۱۱م بود. اما، پس از پیروزی در انتخابات، تغییر قابل توجهی رخ داد و تمرکز دوباره بر نقش مادر و به‌ویژه توانمندسازی زنان قرار گرفت. نام‌گذاری طرح‌های توسعه زیرساختی، همچون پل هوایی مادر در کلکته، نمونه‌ای روشن از این تغییر جهت است.

این تغییر پرسش‌هایی را برمی‌انگیزد مبنی بر اینکه آیا طرح کانیاشری تلاشی واقعی برای توانمندسازی زنان است یا ابزاری در خدمت سیاست عوام‌گرایی در بنگال غربی؟ عوام‌گرایی پدیده‌ای رایج در دموکراسی‌های مدرن است که از مرزهای ملی فراتر می‌رود. این پدیده را می‌توان در کشورهای توسعه‌یافته‌ای مانند ایالات متحده نیز مشاهده کرد؛ ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ نمونه‌ای از آن است، همان‌گونه که در کشورهای در حال توسعه نیز دیده می‌شود. شایان توجه است که تعدادی از سیاست‌های عمومی بنگال غربی آشکارا به نفع زنان طراحی شده است، از جمله طرح لاکھی بهاندار^۲ و طرح کانیاشری. این وضعیت پرسشی مهم را درباره تأثیر واقعی این سیاست‌ها مطرح می‌کند: آیا صرفاً نمادین هستند یا واقعاً قدرت دگرگونی اجتماعی دارند؟

تحلیل میزان اثربخشی چنین برنامه‌های سیاست عمومی نیازمند بررسی دقیق و چندجانبه است که ابعاد گوناگون توانمندسازی زنان را فراتر از اقدام‌های نمادین در نظر گیرد. لازم است اهداف سیاست‌ها با نتایج واقعی مقایسه شود تا شکاف احتمالی میان گفتمان سیاسی و تأثیر اجتماعی واقعی آشکار شود. از این‌رو، مقایسه نتایج واقعی طرح کانیاشری با اهداف اعلام‌شده آن رابطه پیچیده میان سیاست عوام‌گرایانه و تأثیر واقعی سیاست را در زمینه توانمندسازی زنان در بنگال غربی روشن می‌سازد.

۵. نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی

در تحلیلی کامل از طرح کانیاشری پرکالپا باید گفت، این طرح در افزایش حق تحصیل دختران نوجوان و کاهش درصد ترک تحصیل در مدارس موفقیت

1. Trinamool Congress (TMC)

2. Lakkhi Bhandar

چشمگیری داشته است. کانیاشری پرکالپا طرح یارانه نقد مشروط است و موانع اقتصادی آموزش دختران را هدف قرار داده است. باین حال، موفقیت بلندمدت آن به این بستگی دارد که آیا این خروجی سیاست به تأثیر پایداری مانند خودکارآمدی، توانمندسازی و تحرک اجتماعی تبدیل می شود؟ در این تحقیق با به کارگیری روش ارزیابی دای، و یافتن شواهدی از داده های ثانویه و ارزیابی در سطح ایالتی، تأکید کردیم که توانمندسازی واقعی نه تنها در ارقام ثبت نام، بلکه از تغییرات نهادی، رفتاری و اجتماعی تحریک شده با این برنامه پدیدار می شود.

در سطح سیاستگذاری، کانیاشری پرکالپا با ترویج ادامه تحصیل و به تعویق انداختن ازدواج زودهنگام دختران، با اهداف توسعه پلیدار ۴ (آموزش کیفی) و ۵ (برابری جنسیتی) همسوست. این سیاست همچنین، به طور مستقیم از طریق افزایش آگاهی درباره سلامت باروری و شمول مالی از طریق انتقال مستقیم مزایا، به اهداف توسعه پلیدار ۳ (سلامت و رفاه) کمک می کند. باین حال، سهم آن در اهداف توسعه پلیدار ۱ (فقرزدایی) و ۱۰ (کاهش نابرابری ها) همچنان محدود است، زیرا نابرابری های محیطی و اقتصادی در مناطق مختلف همچنان وجود دارد. تفاوت های زندگی روستایی و شهری، ناکارآمدی های اداری و ظرفیت سازی ضعیف در سطوح مختلف همچنان ظرفیت کامل این سیاست را محدود می کند.

الف) ایجاد زیست بوم نظارت و ارزیابی در لحظه. تأمین داشبورد دیجیتال در سطح ایالت - مشابه سیستم اطلاعات مدیریت ساماگرا شیکشا^۱ - که داده های حضور و غیاب، سوابق پرداخت و عملکرد تحصیلی را ادغام کند. دفاتر ثبت اطلاعات بیومتری در مدرسه یا برنامه های کاربردی مبتنی بر تلفن همراه، هشدارهای غیبت و ترک تحصیل را به موقع نشان می دهد. حسابرسی های نهادهای مستقل، همانند آنچه در سیاست «نجات دختران با دادن آموزش»^۲ اجرا می شود، تضمین کننده پاسخگویی و اعتبار داده هاست.

ب) ایجاد پیوند میان مهارت و شغل. اعطای کمک هزینه را می توان با برگزاری دوره های کوتاه مدت دارای گواهینامه در زمینه هایی مانند سواد دیجیتال، مدیریت مالی از طریق مؤسسات آموزش صنعتی، کارآفرینی، «مأموریت مهارت هند» یا مراکز دانشگاهی جامعه محور تکمیل کرد. به طور مثال، واحدی درسی مانند بسته آموزشی «کانیاشری آتی» که دریافت کنندگان ارشد با دریافت این

1. Samagra Shiksha MIS

2. Beti Bachao Beti Padhao

- کمک‌هزینه در حوزه‌هایی چون حسابداری، کاربردهای رایانه‌ای یا خیاطی آموزش ببینند و از این طریق اشتغال به تحصیل ماندگار شود.
- پ) **اتخاذ شرایط هدف‌مند و تخصیص یارانه‌های متفاوت.** به‌جای پوشش همگانی، که در آن به هر دختر در مؤسسات آموزشی دولتی بدون ارزیابی نیاز واقعی، بورسیه تحصیلی اعطا می‌شود، می‌توان این سیاست را به‌گونه‌ای اصلاح کرد که شرط برخورداری از آن، به درآمد خانوار (تأییدشده از طریق سامانه آدهار) و داده‌های سرشماری اجتماعی-اقتصادی و طبقاتی پیوند یابد. به‌جای اعطای بورسیه به دخترانی که وضعیت مالی مناسبی دارند، می‌توان مشوق‌های بیشتری را برای دختران مناطق محروم، یا اعضای طبقات SC/ST¹، اقلیت‌ها و خانواده‌های کم‌درآمد در نظر گرفت؛ الگویی که با سیاست مکزیکی در برنامه Progres/ Oportunidades همخوانی دارد. در این برنامه پرداخت‌های متفاوت به بهترشدن شمول اجتماعی انجامید.
- ت) **نهادینه‌سازی مشارکت‌های اجتماعی-مدرسه‌ای.** با تشکیل کمیته‌های نظارتی کانیاشری در هر مدرسه، متشکل از معلمان، والدین و سازمان‌های مردم‌نهاد محلی برای برگزاری جلسات ماهانه یا فصلی درباره حضور و غیاب، ایمنی و مشاوره، می‌توان با چنین نظارتی با ماهیت مشارکتی، هنجارهای اجتماعی را تقویت کرد، نظیر آنچه با موفقیت در منطقه پورولیا در بنگال غربی با همگرایی SABLA آزمایش شد. چنین مواردی آموزش دختران را ترویج می‌دهد و جلوی کودک‌همسری گرفته می‌شود.
- ث) **ترویج هم‌افزایی میان طرح‌ها و پشتیبانی در چرخه زندگی.** این سیاست در صورتی کارآمدتر عمل می‌کند که ذی‌نفعان در جهت ایجاد سازوکارهای رسمی همکاری با برنامه‌هایی مانند SAG، مأموریت‌شکنی و مأموریت ملی سلامت اقدام کنند تا از این طریق، خدماتی نظیر تأمین تغذیه، حمایت در زمینه بهداشت قاعدگی و مشاوره سلامت روان فراهم شود. اطمینان از تداوم خدمات مراقبتی از دوران نوجوانی تا آغاز بزرگسالی در صورتی امکان‌پذیر است که این خدمات در قالب بستر دیجیتالی یکپارچه‌ای ادغام شود.

در جمع‌بندی، طرح کانیاشری نماد هدفی ارزشمند در جهت توانمندسازی زنان است، اما برای تحقق کامل ظرفیت آن، بهینه‌سازی راهبردها ضروری است.

1. Scheduled Castes/ Scheduled Tribes

رویکردی جامع باید شامل موارد زیر باشد: تقویت نظام یارانه‌های نقدی مشروط، ارتقای کیفیت آموزش، توزیع هدفمند بورسیه‌ها، انجام ارزیابی‌های جامع تأثیر و ترویج مشارکت اجتماعی. تعهد دولت به بهبود و تقویت این طرح نه تنها چالش‌های کنونی را برطرف می‌کند، بلکه زمینه‌ساز تأثیر عمیق‌تر و پایدارتر در توانمندسازی زنان در بنگال غربی خواهد شد. در طرح کنیاشری، با اتخاذ سیاست‌هایی که خود را با نیازهای متغیر جامعه سازگار می‌سازند، در موقعیتی مناسب برای تبدیل‌شدن به الگویی از تغییر مثبت می‌توان معیارهایی برای برنامه‌های توسعه اجتماعی فراگیر و موفق ایجاد کرد.

تعارض منافع

این مقاله مشمول هیچ گونه تعارض منافع نیست.

مشارکت نویسندگان

نویسندگان در تألیف این مقاله مشارکت یکسان داشته‌اند.

اصول اخلاقی

نویسندگان در انتشار این مقاله، به‌طور کامل از اخلاق نشر، از جمله سرقت ادبی، سوءرفتار، جعل داده‌ها یا ارسال و انتشار دوگانه پرهیز داشته‌اند؛ منفعت تجاری در این راستا وجود ندارد. این مقاله حاصل تحقیقات خود نویسندگان است و اصالت محتوای آن را اعلام داشته‌اند. تألیف این مقاله به هوش مصنوعی داده نشده است.

دسترسی به داده‌ها

در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر درخصوص نحوه تجزیه و تحلیل داده‌ها در این مقاله، با نویسنده مسئول مکاتبه فرمایید.

منابع

- Akhter MY, Deb P, Biswas J. (2021). "The role of public librarians, teachers and Gram Panchayats in women empowerment through Kanyashree public services in South 24 Parganas district of West Bengal". *Library Philosophy and Practice (e-journal)*. University of Nebraska-Lincoln. Retrieved from <https://digitalcommons.unl.edu/libphilprac/6058>.
- Banerjee A, Karar A, Ghosh N, Bhattacharyya I, Adhikari S. (2023). "Empowering adolescent girls during a global pandemic: An initiative through the Scheme for Adolescent Girls and the Kanyashree Prakalpa Convergence (SAG-KP)

- Program". *Children, Youth and Environments*. 33(2): 197-206. <https://journals.uc.edu/index.php/cye/article/view/8078>.
- Bhattacharya S, Mitra C, Majumder SB. (2025). "A study on effectiveness of Kanyashree in addressing the problem of gender inequality". In *Gender (In) Equality and Social Development: Issues of Health, Education, Environment and Other SDG Implications* (pp. 207–225). Springer. https://doi.org/10.1007/978-981-96-7979-9_13.
- Chattopadhyay P. (2023). "Caring administration with gender-centricity: Interrogating Kanyashree Programme in West Bengal". *Indian Journal of Public Administration*. 69(3): 609-623. <https://doi.org/10.1177/00195561231177037>.
- Chakraborty SS. (2024). "An in-depth analysis of human development in India with reference to West Bengal: A critical perspective". *International Journal of Advanced Multidisciplinary Research and Studies*. 4(3). <https://doi.org/10.62225/2583049X.2024.4.3.2818>.
- Das U, Sarkhel P. (2023). "Does more schooling imply improved learning? Evidence from the Kanyashree Prakalpa in India". *Economics of Education Review*. 94, 102406. <https://doi.org/10.1016/j.econedurev.2023.102406>.
- Dey S, Ghosal T. (2021). "Can conditional cash transfer defer child marriage? Impact of Kanyashree Prakalpa in West Bengal, India". *University of Warwick Working Paper TWERP 1333*. <https://wrap.warwick.ac.uk/id/eprint/149568/>.
- Dye TR. (2013). *Understanding Public Policy*. Pearsons.
- Dutta A, Sen A. (2021). "Kanyashree Prakalpa in West Bengal, India: Justification and evaluation". International Growth Centre. <https://www.theigc.org/publications/kanyashree-prakalpa-west-bengal-india-justification-and-evaluation>.
- Ghosh S, Teckchandani J. (2024). "Kanyashree Prakalpa in West Bengal: A journey towards women empowerment". *International Research Journal of Management Sociology & Humanities*. 14(10). <https://doi.org/10.32804/IRJMSH>.
- Ghosh S, Teckchandani J, Tripathi N. (2024). "Impact of Kanyashree Prakalpa on the urban beneficiaries in West Bengal". *Cahiers Magellanes-NS*. 6(2): 6988-6998. <https://cahiersmagellanes.com/index.php/CMN/article/view/1031>.
- Halder MK. (2024). "Reforming social norms: The role of the Kanyashree Prakalpa in promoting education and preventing child marriage". *Desh Vikas*. 11(1): 108-122. https://www.academia.edu/122532020/Reforming_Social_Norms_The_Role_of_the_Kanyashree_Prakalpa_in_Promoting_Education_and_Preventing_Child_Marriage.
- Halder UK. (2018). "Kanyashree Prakalpa: Elaboration of the objectives". *Journal of Education and Development*. 8(15): 259-265. https://www.researchgate.net/publication/327079196_Kanyashree_Prakalpa_Elaboration_of_the_Objectives.
- Kumar N. (2024). "Examining the role of government policies and societal attitudes in shaping women's access to education and empowerment". *Research Trends Journal*. 2(6): 25-31. <https://researchtrendsjournal.com/uploads/articles/2-6-25.1.pdf>.
- Ladhani S, Sitter KC. (2020). "Conditional cash transfers: A critical review". *Development Policy Review*. 38(1): 28-41. <https://doi.org/10.1111/dpr.12416>.
- Louis EC, Kulkarni N, Anderson C. (2018). "An evaluation of the SABLA-Kanyashree program in six districts of West Bengal, India". Landesa Research, Evaluation and Learning (REL) team. <https://www.landesa.org/resources/evaluation-of-the-sabla-kanyashree-program-in-six-districts-of-west-bengal-india/>.
- Mahata SK. (2024). "Kanyashree Prakalpa: Social safeguard of adolescent girls". *Bharati International Journal of Multidisciplinary Research & Development*. 2(2): 1-9. <https://doi-ds.org/doi/10.2024-56742875/BIJMRD/Vol>.

- Millán TM, Barham T, Macours K, Maluccio JA, Stampini M. (2019). "Long-term impacts of conditional cash transfers: Review of the evidence". *World Bank Research Observer*. 34(1): 119-159. <https://doi.org/10.1093/wbro/lky005>.
- Mukherjee, S. (2022). Placing Kanyashree Prakalpa in perspective with Sustainable Development Goal 4. In *Driving the Change* (pp. 91–103). Routledge.
- Mukherjee S, Mukherjee S. (2020). "Kanyashree Prakalpa in West Bengal: Desirability and promises". *Journal of Indian Education*. 46(2): 177-184. <http://ejournals.ncert.gov.in/index.php/jie/article/view/2794>.
- Mukherjee M, Pal S. (2017). "Conditional cash transfer as a public policy design on women education: A case study of Kanyashree Prakalpa". *The Signage*. 5(1): 23-40. <https://d1wqtxts1xzle7.cloudfront.net/92099897/>.
- Nandi A, Bagdi A, Ghosh B, Chatterjee A, Das T, Hader T, Haque L. (2024). "Kanyashree Prakalpa as a catalyzer for development of women's education in West Bengal, India". *World Journal of Advanced Research and Reviews*. 22(2): 222-232. <https://wjarr.com/content/kanyashree-prakalpa-catalyzer>.
- Paroi S, Sarkar C. (2020). "Kanyashree Prakalpa, a milestone towards women empowerment: A SWOT analysis". *Purakala*. 31(8): 851-858. <https://www.researchgate.net/profile/Chiranjit-Sarkar/publication/>.
- Rawlings LB, Rubio GM. (2005). "Evaluating the impact of conditional cash transfer programs". *World Bank Research Observer*. 20(1): 29-55. <https://doi.org/10.1093/wbro/lki001>.
- Roy A, Chakraborty A. (2024). "Interrogating the educational landscape: A comprehensive analysis of girls' schooling in West Bengal (2011–2022)". *Indian Journal of Multidisciplinary Research*. 2(1). https://ijomr.org/uploads/documents/IJOMR_25_014.pdf.
- Sarkar S. (2022). "Politics of populist politics in West Bengal". Mahanirban Calcutta Research Group. <http://www.mcrg.ac.in/PP138.pdf>.
- Sen A, Dutta A. (2018). "West Bengal's successful Kanyashree Prakalpa programme needs more push from state and beneficiaries". *Economic and Political Weekly*. 53(17): 18-21. <https://www.epw.in/engage/article/West-Bengal-Successful-Kanyashree-Prakalpa-Programme-Needs-More-Push-From-State-and-Beneficiaries>.
- Sen G, Thamarapani D. (2023). "Keeping girls in schools longer: The Kanyashree approach in India". *Feminist Economics*. 29(4): 36-64. <https://doi.org/10.1080/13545701.2023.2263542>.
- Weiss CH. (1999). "The interface between evaluation and public policy". *Evaluation*. 5(4): 468-486. <https://doi.org/10.1177/135638909900500408>.
- West Bengal Government. (2016). "Kanyashree Prakalpa: Implementation guidelines 2.0". https://www.wbkanyashree.gov.in/readwrite/notice_publications/01-Kanyashree%20Prakalpa%20Guidelines.pdf.
- West Bengal Government. (2015). "Rapid assessment, Kanyashree Prakalpa".